

## تحلیل، بررسی و تبعات میزان توجه به نظام‌های بهره‌برداری کوچک و بزرگ در

### سال‌های قبل و بعد از انقلاب

عباس نوروزی<sup>۱</sup>

استادیار آموزش گروه مدیریت و توسعه کشاورزی مرکز آموزش عالی امام خمینی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، کرج، ایران.

anorozi66@yahoo.com

دریافت: آذر ۱۳۹۶ و پذیرش: دی ۱۳۹۷

#### چکیده

هدف این مقاله شناسایی سمت و سوی برنامه‌های توسعه کشاورزی در ۶ برنامه عمرانی قبل از انقلاب و ۵ برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعد از انقلاب از منظر توجه به نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی بزرگ و یا کوچک است. برای این منظور در مقطع مورد مطالعه با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای، گزارش برنامه‌های مورد نظر مورد مطالعه قرار گرفت. اسناد مورد بهره‌برداری در تحقیق از لحاظ نقد درونی و بیرونی مورد تأیید می‌باشند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در سال‌های قبل از انقلاب و در برنامه‌های عمرانی اول تا پنجم سمت و سوی دولت غالباً معطوف به توسعه واحدهای بهره‌برداری بزرگ در مقایسه با واحدهای دهقانی بوده است و همین امر موجب تحمیل شرایط سخت به واحدهای کوچک گردید. اما، در برنامه ششم عمرانی دولت سیاست‌های خود را تغییر و واحدهای دهقانی را مورد حمایت قرار داد. در سال‌های بعد از انقلاب و در برنامه‌های با عنوان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شاهد سمت‌گیری بیشتر دولت به سمت واحدهای بهره‌برداری بزرگ هستیم و فقط در برنامه پنجم است که این جهت‌گیری تا حدی و از طریق حمایت دولت از یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی کوچک تعدیل می‌شود. به این ترتیب، عدم حمایت و تضعیف واحدهای کوچک به عنوان نظام بهره‌برداری غالب در سال‌های قبل و بعد از انقلاب موجب ناپایداری و آسیب‌پذیری این واحدها از ابعاد گوناگون بوده است.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌های عمرانی، برنامه‌های توسعه، توسعه کشاورزی، ایران

<sup>۱</sup> - آدرس نویسنده مسئول: کرج، کیلومتر هفت جاده ماهدشت، خیابان شهید همت، مرکز آموزش عالی امام خمینی.

## مقدمه

رشد و توسعه کشاورزی در هر کشور مستلزم تبیین جهت‌گیری توسعه کشاورزی از ابعاد گوناگون است. یکی از مهم‌ترین این ابعاد نوع نگاه به نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی است. اهمیت نظام بهره‌برداری و جایگاه آن در ترسیم جهت‌گیری توسعه کشاورزی کشور زمانی آشکار می‌گردد که به این نکته توجه نمائیم که مسائل نظام بهره‌برداری در هر جامعه اساسی‌ترین و عمده‌ترین مسائل بخش کشاورزی آن جامعه را تشکیل می‌دهد (نکویی نائینی و همکاران، ۱۳۹۵). در هر کشور و در مقاطع مختلف زمانی بنابر مقتضیات آن زمان و همچنین عوامل محیطی و مؤثر داخلی و خارجی جهت‌گیری برنامه‌های توسعه هر کشور در زمینه‌های گوناگون می‌تواند متفاوت باشد. بخش کشاورزی نیز به عنوان یک بخش اقتصادی مهم در کشور از قاعده کلی فوق مستثنی نبوده و در دوره‌های زمانی مختلف اولویت‌های متنوعی را برای توسعه تجربه کرده است. اولویت‌بخشی به برنامه‌های توسعه در زمینه‌های مختلف و از جمله در بخش کشاورزی در مقاطع مختلف را می‌توان در منابع و اسناد گوناگون که اینک با آنها با عنوان "اسناد بالادستی" یاد می‌شود، جستجو کرد.

در زمینه نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران مطالعات متعددی صورت گرفته است. از مهم‌ترین این تحقیقات می‌توان به این موارد اشاره کرد:

اشرف (۱۳۸۳) بر این نکته تأکید دارد که سیاست‌های ارضی و کشاورزی دولت از اواخر دهه ۴۰ خورشیدی معطوف به گسترش بهره‌برداری‌های بزرگ تجاری در بخش‌های خصوصی، دولتی و خصوصی دولتی بوده است. وی در تحلیل دقیق‌تر موضوع از اختصاص ۲۳۵ هزار هکتار از اراضی کشور به شرکت‌های کشت و صنعت و مجتمع‌های کشاورزی دولتی، ۴۱۵ هزار هکتار به شرکت‌های سهامی زراعی و ۱۰۰ هزار هکتار به شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی نام برده و به تخصیص اراضی دولتی و کمک‌های بلاعوض و تسهیلات

کم بهره به بهره‌برداری‌های بزرگ و متوسط تجاری توسط بانک توسعه کشاورزی ایران اشاره می‌کند.

ساعدلو (۱۳۵۷) مطالعه‌ای را در سال ۱۳۴۸ در ۳۱ روستای شهرستان نیشابور انجام می‌دهد که به دلیل عدم موافقت دستگاه حاکمه تا سال ۱۳۵۷ اجازه انتشار پیدا نکرد. وی در این مطالعه روستاها را به دو دسته تقسیم می‌کند: روستاهایی که درآمد کشاورزی شان پس از اصلاحات ارضی افزایش یافته (۱۲ روستا) و روستاهایی که پس از اصلاحات ارضی درآمدشان کاهش یافته است (۱۹ روستا). بنابر یافته‌های این تحقیق در اکثر روستاهایی که درآمد آنها کاهش داشته است، یکی از شقوق فروش حق ریشه و یا تشکیل واحد سهامی زراعی اجرا شده بود. در مقابل روستاهایی که درآمدشان حتی تا ۳۰۰ درصد افزایش داشته است، روستاهایی بودند که در آنها نظام بهره‌برداری دهقانی وجود داشت. وی دلیل این امر را حفر چاه و لایروبی قنات و استفاده از کودهای شیمیایی دانسته و افزایش قیمت محصولات مهمی نظیر گندم و جو را مردود می‌داند، چرا که قیمت این محصولات پس از اصلاحات ارضی در منطقه کاهش هم داشته است.

عجمی (۱۳۵۵) ضمن تأکید بر این که نمی‌توان نظام دهقانی را به خاطر کوچک بودن اندازه واحد تولید به عدم استفاده منطقی از منابع و بی‌توجهی به روش‌های جدید زراعی متصف ساخت، به نتایج مطالعه خود در سال ۱۳۴۷ اشاره می‌کند که به موجب آن از منظر ضریب بازده سرمایه، بهره‌برداری دهقانی پس از بهره‌برداری تلمبه کاری و بالاتر از بهره‌برداری‌های مکانیزه و اربابی قرار می‌گرفت و از جهت ملاک نسبت ارزش تولیدات سالیانه به هزینه‌های جاری بهره‌برداری دهقانی در رتبه اول قرار می‌گرفت.

همچنین، عجمی (همان) به نتایج مطالعه اعتماد مقدم می‌پردازد که نشان می‌دهد چنان چه اندازه واحد بهره‌برداری از حد متوسط بگذرد، میزان بهره‌وری رو به کاهش می‌گذارد و علاوه بر این، بهره‌برداری‌های

وری کود تقریباً دو نظام بهره‌برداری یاد شده با هم برابر بودند.

نتایج تحقیقی در مورد تحلیل پایداری نظام بهره‌برداری خانوادگی در روستای خانم‌آباد کرمانشاه نشان داد که نظام بهره‌برداری یاد شده از لحاظ اقتصادی و زیست محیطی ناپایدار و از لحاظ اجتماعی نیمه پایدار است (عباسی‌زاده قنوتی و همکاران، ۱۳۹۱). این نتیجه به ضوح آسیب‌پذیری واحدهای دهقانی در محل مورد مطالعه و لزوم حمایت از بهره‌برداران شاغل در این واحدها را نشان می‌دهد.

همچنین نتایج مطالعه‌ای در مورد پایداری نظام بهره‌برداری خرد دهقانی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان بویراحمد نشان می‌دهد که نظام بهره‌برداری یاد شده از جهت شاخص‌های اکولوژیکی و اجتماعی در وضعیت نیمه پایدار و از منظر شاخص‌های اقتصادی در وضعیت ناپایدار قرار دارد. ضمن آن که نظام بهره‌برداری یاد شده به صورت کلی در وضعیت نیمه پایدار قرار دارد (عوض‌زاده و کرمی، ۱۳۹۴).

در مجموع از غالب تحقیقات بالا می‌توان کارآمدی نظام بهره‌برداری خرد در مقایسه با سایر نظام‌های بهره‌برداری را نتیجه گرفت. ضمن آن که نظام بهره‌برداری کوچک از منظر شاخص‌های پایداری در وضعیت نیمه پایدار و یا ناپایدار قرار دارد و از این منظر لزوم توجه به بهره‌برداران شاغل در این دسته از نظام‌های بهره‌برداری را نمی‌توان نادیده گرفت. با عنایت به این مهم از یک طرف و اهمیت مقوله نظام بهره‌برداری و نقش آن در توسعه کشاورزی کشور به طوری که در ایران بزرگ‌ترین و بنیادی‌ترین مانع پیش روی توسعه کشاورزی، مانع ساختاری مربوط به نظام کشاورزی است و هسته نظام کشاورزی را نیز نظام بهره‌برداری تشکیل می‌دهد (نکویی نائینی و همکاران، ۱۳۹۵) از سوی دیگر و همچنین، توجه به این حقیقت که نظام بهره‌برداری خرد همچنان نظام غالب در کشور می‌باشد تا جایی که بر اساس نتایج آخرین سرشماری کشاورزی نزدیک ۸۰ درصد از بهره‌

خانوادگی در مقایسه با سایر بهره‌برداری‌های کشاورزی دارای کارایی اقتصادی بیشتری می‌باشند.

ملک و علیمراد (۱۳۵۶) در پژوهش جامعی در استان خوزستان به مطالعه نظام‌های بهره‌برداری منطقه پرداختند. آنها در مطالعه خود دریافتند که به طور متوسط راندمان شرکت‌های کشت و صنعت به مراتب کمتر از راندمان زراعت‌های سنتی و آن هم در شرایطی که در زراعت‌های سنتی با گاو می‌کاشتند و کود شیمیایی هم مصرف نمی‌کردند، است.

نتایج تحقیق حسینی کازرونی (۱۳۷۴) نشان می‌دهد که واحدهای بهره‌برداری کوچک به جهت تخصیص بهینه تر نیروی کار و امکانات قابلیت همگامی بیشتری با نیازهای بازار داخلی داشته و احتمالاً این قابلیت را در شرایط ادغام بازار داخلی با بازارهای جهانی نیز حفظ خواهند کرد.

از مطالعات انجام شده در مورد نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در سال‌های اخیر می‌توان به مطالعه نکویی نائینی و همکاران (۱۳۹۵) اشاره کرد که در تحقیق خود در مورد پایداری سه دسته نظام بهره‌برداری کشاورزی خرد دهقانی، تعاونی و سهامی زراعی در استان اصفهان به این نتیجه رسیدند که نظام بهره‌برداری خرد دهقانی از جهت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی از دو دسته دیگر ناپایدارتر بوده و بر همین اساس تقویت بنیه اقتصادی بهره‌برداران این نظام که اتفاقاً درصد عمده‌ای از بهره‌برداران بخش را تشکیل می‌دهند را توصیه می‌کنند.

همچنین، یافته‌های مطالعه محبوبی و آبیاری (۱۳۹۰) در مورد بهره‌وری متوسط عوامل تولید در نظام‌های بهره‌برداری استان گلستان نشان داد که هر یک از دو نظام بهره‌برداری دهقانی و تجاری بزرگ از منظر بر دیگری برتری دارند. به طوری که از نقطه نظر بهره‌وری دو متغیر نیروی کار و سم نظام بهره‌برداری دهقانی دارای برتری بوده، از جهت بهره‌وری بذر نظام بهره‌برداری تجاری بزرگ دارای وضعیت بهتری بوده و از منظر بهره‌

برداران حقیقی بخش کشاورزی را شاغلین در واحدهای بهره‌برداری تا پنج هکتار تشکیل می‌دهند (جدول یک) مسئله اساسی که این مطالعه در پی یافتن پاسخ به آن است جهت‌گیری گرایش برنامه‌های کلان دولت در ایران در ادوار مختلف است. بر این اساس، هدف مطالعه حاضر تعیین جهت‌گیری برنامه‌های توسعه کشور در سال‌های قبل و بعد از انقلاب از منظر نظام بهره‌برداری است. به دیگر سخن، این که کدام یک از دو دسته نظام‌های بهره‌

برداری بزرگ و یا کوچک مورد توجه و حمایت برنامه‌های مورد اشاره بودند، در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. یافتن پاسخ سؤال بالا از یک طرف و نتایج تحقیقات صورت گرفته در مورد بهره‌وری واحدهای بهره‌برداری بزرگ و کوچک از طرف دیگر می‌تواند جهت‌گیری درست و یا غلط برنامه‌های توسعه را نشان دهد.

جدول ۱- تعداد بهره‌برداری‌های کشاورزی حقیقی بر حسب وسعت اراضی کشاورزی

ردیف	وسعت اراضی کشاورزی	تعداد بهره‌بردار	درصد
۱	تا ۵ هکتار	۳۱۶۵۳۵۲	۷۹
۲	۵ تا ۲۰ هکتار	۶۷۹۴۹۹	۱۶/۹۶
۳	۲۰ تا ۵۰ هکتار	۱۲۸۴۷۵	۳/۲۱
۴	۵۰ هکتار به بالا	۳۳۵۶۳	۰/۸۳
۵	کل	۴۰۰۶۸۸۹	۱۰۰

منبع: مرکز آمار ایران، (۱۳۹۴)

بردارای دست یافت. نقد خارجی<sup>۳</sup> و نقد درونی<sup>۴</sup> منابع مورد استفاده که به ترتیب به اصالت و واقعی بودن سند و عاری بودن آن از سوگیری و تعصب مربوط می‌باشد (نادری و سیف نراقی، ۱۳۷۰)، مورد تأیید می‌باشند.

### نتایج و بحث

بر مبنای درک اهمیت نظام بهره‌برداری از زمین در توسعه کشاورزی کشور و همچنین، نقش تعیین کننده دولت در تقویت و یا تضعیف نظام‌های بهره‌برداری بزرگ و کوچک از یک طرف و نیز قضاوت نسبت به صحیح و غلط بودن جهت‌گیری دولت از سوی دیگر این مطالعه شکل گرفت. بر این اساس در این بخش نتایج تحقیق آمده است؛ اما قبل از پرداختن به این یافته‌ها لازم است جهت آشنایی بیشتر خواننده سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه کشور در مقطع مورد مطالعه آورده شود. مندرجات جدول شماره دوز سال‌های اجرای برنامه‌های مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

### مواد و روش‌ها

روش تحقیق مورد استفاده روش تحقیق اسنادی از طریق مطالعات کتابخانه‌ای است. منابع مورد استفاده در تهیه این مقاله مشتمل بر شش برنامه عمرانی و نیز پنج برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در ردیف منابع دست اول<sup>۲</sup> قلمداد می‌شوند. لازم به یادآوری است که در طی سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۷ شش برنامه عمرانی به تصویب رسید و از این تعداد پنج برنامه عملیاتی شد. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی نیز تا کنون شش برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب رسیده است که از این تعداد پنج برنامه به مورد اجرا گذاشته شده است. به این ترتیب، به منظور دستیابی به جهت‌گیری دولت نسبت به نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی، در هر یک از ۱۱ برنامه مورد مطالعه دو بخش سیاست‌ها و خط مشی‌ها و برنامه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. تا از کنار هم قرار گرفتن این دو در هر یک از برنامه‌های مورد مطالعه بتوان به تصویری از جهت‌گیری توسعه کشاورزی در آن برنامه از نقطه نظر نظام بهره‌

<sup>3</sup> External criticism

<sup>4</sup> Internal criticism

<sup>2</sup> Primary sources

جدول ۲- سال‌های اجرای برنامه‌های عمرانی و یا توسعه در کشور

پس از انقلاب اسلامی		قبل از انقلاب اسلامی	
سال‌های اجرای برنامه	برنامه توسعه	سال‌های اجرای برنامه	برنامه عمرانی
۱۳۶۸-۱۳۷۲	اول	۱۳۳۷-۱۳۳۴	اول
۱۳۷۴-۱۳۷۸	دوم	۱۳۳۴-۱۳۴۱	دوم
۱۳۷۹-۱۳۸۴	سوم	۱۳۴۲-۱۳۴۶	سوم
۱۳۸۴-۱۳۸۸	چهارم	۱۳۴۷-۱۳۵۱	چهارم
۱۳۹۰-۱۳۹۴	پنجم	۱۳۵۲-۱۳۵۶	پنجم
-	-	۱۳۵۷-۱۳۶۱	ششم

برنامه پنجم قابل مشاهده است. علی‌رغم موارد فوق، در مجموع سیاست‌های برنامه پنجم را می‌توان در راستای حمایت از واحدهای بهره‌بردار بزرگ قلمداد کرد. تعیین نرخ تضمینی برای محصولات مهم کشاورزی و بیمه محصولات کشاورزی از مواردی هستند که در آن مقطع بیشتر مورد نیاز و خواست واحدهای بزرگ بود تا واحدهای کوچک. چرا که واحدهای بزرگ از بنیه مالی بهتر برخوردار بوده و درک بیشتری و بهتری از اهمیت بیمه داشتند. همچنین، تعیین نرخ تضمینی برای خرید محصولات کشاورزی هم به دلیل آن که کشاورزان واحدهای خرد و کوچک معیشتی بوده و اصلاً مازاد محصولی برای عرضه به بازار نداشتند را هم بیشتر می‌توان بیشتر سیاستی در راستای حمایت از واحدهای بزرگ قلمداد کرد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۱).

در برنامه عمرانی ششم، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های بخش کشاورزی به گونه‌ای چشم‌گیر تغییر می‌کند؛ به عبارت دیگر، آن چه که در برنامه عمرانی پنجم به صورتی کم‌رنگ خودنمایی کرده بودند، در برنامه ششم به گونه‌ای مبرهن و آشکار خود را نشان می‌دهند. مندرجات جدول دو تأییدی است بر این ادعا که کشاورزان شاغل در واحدهای دهقانی و خانوادگی که در برنامه‌های قبلی و به ویژه در برنامه‌های پس از اصلاحات ارضی (برنامه‌های سوم، چهارم و تا حدی پنجم) به هیچ‌انگاشته شده و در سیاست‌ها مورد توجه نبودند، در برنامه ششم در کانون توجه قرار گرفته و ارج و منزلت یافته بودند. مواردی نظیر احیاء بنه‌ها، برخورداری کشاورزانی که تاکنون به تسهیلات بانکی دسترسی نداشتند از این تسهیلات، تأمین

مندرجات جدول دو سیاست‌ها و خط‌مشی‌های ناظر بر توسعه کشاورزی کشور در شش برنامه عمرانی و پنج برنامه توسعه کشور را نشان می‌دهد. هم‌چنان‌که ملاحظه می‌شود در این زمینه شاهد رشد تکاملی هستیم، به طوری که در برنامه چهارم در بخش کشاورزی تعیین خط‌مشی‌های کلی که در سه برنامه قبلی محلی از اعراب نداشت، مورد توجه قرار می‌گیرد. ایجاد واحدهای زراعی بزرگ (شرکت‌های کشت و صنعت و سهامی زراعی) از جمله مهم‌ترین خط‌مشی‌های این برنامه است (نفیسی، ۱۳۲۸ و سازمان برنامه، ۱۳۳۹ و سازمان برنامه، ۱۳۴۱ و سازمان برنامه، ۱۳۴۶).

در برنامه پنجم و در ادامه سیاست کلی توسعه واحدهای بزرگ تجاری به عنوان الگوی توسعه کشاورزی کشور، شاهد سیاست اعطای وام به شبکه شرکت‌های تعاونی جهت خرید محصولات کشاورزی کشاورزان عضو با هدف جلوگیری از سلف فروشی محصولات کشاورزی و همچنین تعیین قیمت تضمینی برای محصولات مهم کشاورزی هستیم. این دو سیاست به این دلیل مورد توجه قرار گرفت که انجام اصلاحات ارضی که در آن مقطع نزدیک به یک دهه از آغاز آن گذشته بود، فرصتی را برای رشد فعالیت‌های واسطه‌گری فراهم آورده بود. علاوه بر این، در برنامه پنجم شاهد نخستین بارقه‌های تشکیک نسبت به توسعه کشاورزی بر اساس اصول فنی و الگوهای بزرگ تجاری به عاریت گرفته شده از بلوک‌های سرمایه‌داری (شرکت‌های کشت و صنعت) و سوسیالیستی (شرکت‌های سهامی زراعی) هستیم. این مهم در سیاست تحقیق در زمینه مسائل اجتماعی و اقتصادی روستاها در

توجه قرار گرفته بود. این توجه در برنامه اول در قالب یکپارچگی کشت و ایجاد زراعت‌های مشاعی که از کنار هم قرار گرفتن واحدهای کوچک ایجاد می‌شود، تبلور یافته بود و در برنامه دوم توسعه هم شاید بتوان از عبارت ایجاد مشاغل خانگی در مناطق روستایی تعبیر توجه به نظام‌های بهره‌برداری کوچک را نمود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۹؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۳؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۹).

نیازهای اساسی (غذا، مسکن و پوشاک) طبقات کم‌درآمد روستایی و رفع کمبودهای بهره‌برداری‌های دهقانی و خانوادگی به وضوح حاکی از این تغییر جهت و توجه به نظام‌های بهره‌برداری خرد و کوچک هستند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۵).

در سال‌های بعد از انقلاب فقط دو برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، دارای بخش سیاست و یا خط مشی کلی بودند. مندرجات جدول دو حکایت از آن دارد که در دو برنامه یادشده به صورتی تلویحی حمایت از واحدهای خرد و دهقانی مورد

جدول ۳- سیاست‌ها و خط‌مشی‌های بخش کشاورزی در برنامه‌های عمرانی اول تا ششم کشور

سیاست‌ها و خط‌مشی‌های بخش کشاورزی از منظر نظام‌های بهره‌برداری	برنامه
سیاست و خط مشی وجود نداشته	عمرانی اول
سیاست و خط مشی وجود نداشته	عمرانی دوم
سیاست و خط مشی وجود نداشته	عمرانی سوم
- تعیین نرخ تضمینی محصولات مهم کشاورزی؛ - تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی؛ - ایجاد واحدهای بزرگ. - عضویت تمام زارعان در شبکه شرکت‌های تعاونی و سهامی زراعی؛ - حمایت دولت از واحدهای تجاری کشت و صنعت خصوصی و دولتی؛ اعطاء وام به تعاونی‌ها و اتحادیه‌های تعاونی جهت جلوگیری از سلف فروشی؛ - تعیین و تضمین حداقل قیمت فرآورده‌های اصلی کشاورزی؛ - بیمه محصولات عمده کشاورزی، دام‌های اصیل و تأسیسات کشاورزی؛ تحقیق در زمینه شناخت مسائل کشاورزی منجمه مسائل اقتصادی و اجتماعی روستاها و بازاریابی محصولات.	عمرانی چهارم عمرانی پنجم
- حداکثر استفاده از منابع آب از طریق تحقیقات منطبق با نیازها و شرایط محلی؛ تنظیم برنامه خاص برای برآوردن نیازهای طبقات کم درآمدتر؛ - آموزش مستمر نیروی انسانی شاغل در بخش کشاورزی؛ در عین پذیرش شکل‌های نوین بهره‌برداری مانند سهامی زراعی، توجه به بهبود و افزایش کارایی و رفع کمبودهای بهره‌برداران خانوادگی و دهقانی؛ توجه به نقش قابل ملاحظه واحدهای کوچک و متوسط در تولید و یکپارچه کردن اراضی و ایجاد شبکه مناسب آبیاری و استفاده از روش‌های کار تولید دسته جمعی مانند بنه؛ شناخت کارایی نظام‌های بهره‌برداری مختلف خصوصاً دهقانی و روستایی؛ تقویت نظام اعتباری کشاورزی با هدف دسترسی سریع‌تر و بیشتر کسانی که تاکنون به این تسهیلات دسترسی نداشته‌اند.	عمرانی ششم
یکپارچگی انواع کشت و اعمال زراعت مشاعی و تشکیل تعاونی‌های کشاورزی	توسعه اول
توسعه و حمایت از صنایع کوچک، صنایع تبدیلی، صنایع و مشاغل خانگی با اولویت مناطق روستایی	توسعه دوم
-	توسعه سوم
-	توسعه چهارم
-	توسعه پنجم

منبع: نفیسی؛ سازمان برنامه، ۱۳۳۹؛ سازمان برنامه، ۱۳۴۱؛ سازمان برنامه، ۱۳۴۶؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۱؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۵؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۹؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۳؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۹.

افزایش سطح زیر کشت آبی کشور بود. ایجاد بنگاه مستقل آبیاری را هم می‌توان اقدامی در این زمینه قلمداد کرد؛ به عبارت دیگر، برنامه‌ای که معطوف به نوع خاصی از نظام بهره‌برداری باشد و یا مزایای آن متوجه نظام بهره‌برداری خاصی باشد، در این دو برنامه دیده نمی‌شود. در برنامه سوم، برنامه‌هایی همچون اصلاحات ارضی و شرکت‌های تعاونی روستایی خودنمایی می‌کنند. از دیگر

برای دومین دسته از شاخص‌های مورد استفاده به منظور تبیین جهت‌گیری توسعه کشاورزی در مقطع مورد مطالعه، عناوین برنامه‌های کلان بخش کشاورزی در برنامه‌های مورد نظر است. در این زمینه می‌توان گفت که در برنامه‌های اول و دوم عمرانی، توسعه کشاورزی ایران عمدتاً مبتنی بر توسعه منابع آب از طریق احداث سدهای بزرگ به منظور تأمین آب مورد نیاز بخش کشاورزی و

تعاونی‌های تولید و واحدهای مکانیزه تا جایی که در پایان برنامه پنجم ۲۶/۵ درصد از وسعت اراضی آبی کشور به نظام‌های بهره‌برداری فوق اختصاص داشته باشد و یا افزایش تعداد شرکت‌های سهامی زراعی به ۱۴۳ شرکت با وسعت ۴۲۰ هزار هکتار و شرکت‌های کشت و صنعت و مجتمع‌های شیر و گوشت به ۳۰۰ هزار هکتار به وضوح نشان می‌دهد که تا چه اندازه به توسعه کشاورزی کشور از طریق این واحدها باور و اعتقاد راسخ در میان مدیران بخش کشاورزی وجود داشت (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۱).

رشد کمی شرکت‌های تعاونی روستایی که همزمان با شروع اصلاحات ارضی و آغاز برنامه دوم مورد توجه قرار گرفته بودند، در برنامه پنجم متوقف شده و مقرر می‌شود تا پایان برنامه با ادغام شرکت‌های تعاونی در یکدیگر، تعداد آنها به سه هزار واحد تقلیل پیدا کند. این مورد ناکارآمدی بسیاری از شرکت‌های یادشده و رشد خارج از قاعده آنها را در برنامه‌های قبلی نشان می‌دهد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۱).

در برنامه‌های مورد نظر در برنامه عمرانی ششم که هیچ‌گاه عملی نگردید، واحدهای بزرگ بهره‌برداری بر خلاف سه برنامه قبلی دیگر مورد توجه نیستند و بر تعریف نظام‌های بهره‌برداری که دارای سازگاری با مقتضیات محلی جوامع روستایی باشند، تأکید می‌شود. ارشاد و راهنمایی کشاورزی هم به صورت عام مورد تأکید قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که در این برنامه تبعات اجتماعی تغییرات فناوری نظیر مکانیزاسیون مورد توجه بوده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۵).

در سال‌های بعد از انقلاب و در نخستین و دومین برنامه توسعه ایجاد کشت و صنعت نیشکر را می‌توان به منزله جهت‌گیری برجسته دولت به سوی واحدهای بزرگ قلمداد کرد. این جهت‌گیری در برنامه‌های سوم و چهارم هم ادامه پیدا کرده و جهت‌گیری کلی دولت به سمت حمایت از ایجاد واحدهای بزرگ مقیاس ادامه می‌یابد. به ویژه آن که دولت خود را موظف به

وجوه تمایز برنامه عمرانی سوم نسبت به دو برنامه قبلی، نقش پررنگ‌تر برنامه ترویج کشاورزی است. این توجه را می‌توان به منزله شروع "جنبش نرم‌افزاری" در توسعه کشاورزی قلمداد کرد. تجلی دیگر نقش پررنگ ترویج در این برنامه، برنامه‌ریزی جهت افزایش تعداد مروچین کشاورزی و مروچین خانه‌داری به ترتیب از ۱۳۰۰ و ۳۰۰ نفر در آغاز برنامه سوم به ۲۳۰۰ و ۸۰۰ نفر در پایان برنامه است (سازمان برنامه، ۱۳۴۱). به نظر می‌رسد که توفیق مروچین کشاورزی در جریان اجرای برنامه اصلاحات ارضی<sup>۵</sup> و لزوم تداوم این برنامه و همچنین نقش تعیین‌کننده ایشان در افزایش تولید کشاورزان صاحب زمین شده پس از انجام اصلاحات ارضی مهم-ترین علت توجه به برنامه ترویج کشاورزی در برنامه عمرانی سوم باشد. سه برنامه اصلاحات ارضی، شرکت‌های تعاونی و ترویج کشاورزی را می‌توان در راستای توسعه و حمایت از نظام بهره‌برداری دهقانی قلمداد کرد. چرا که برنامه‌های اصلاحات ارضی و شرکت‌های تعاونی باعث ایجاد و گسترش نظام بهره‌برداری دهقانی شده بود و ترویج کشاورزی را هم می‌توان به صورت ذاتی در خدمت این نظام بهره‌برداری قلمداد کرد.

در برنامه عمرانی چهارم ترویج کشاورزی عمدتاً از طریق فعالیت سپاهیان ترویج و آبادانی و در اولویت پایین‌تر جذب و تربیت مروج کشاورزی مورد توجه بود (سازمان برنامه، ۱۳۴۶).

در برنامه عمرانی پنجم، واحدهای بهره‌برداری بزرگ، به عنوان محور توسعه کشاورزی ایران به صورت برنامه‌ای و عملیاتی مورد توجه قرار می‌گیرد تا آنجایی که عناوین دو برنامه از شش برنامه کلان بخش کشاورزی در این برنامه به شرکت‌های سهامی زراعی و شرکت‌های کشت و صنعت اختصاص پیدا می‌کند. افزایش سطح واحدهای کشت و صنعت، شرکت‌های سهامی زراعی،

<sup>۵</sup> - توفیق مروچین کشاورزی در آغاز و انجام برنامه اصلاحات ارضی تا جایی بود که به زعم شهبازی شماری از ایشان در انتخابات دوره ۲۱ مجلس شورای ملی که پس از شروع اصلاحات ارضی برگزار شد، به عنوان نماینده مجلس از سوی مردم برگزیده شدند (نوروزی، ۱۳۸۸).

ضمن آن که استمرار حضور مهندسين ناظر را شاهد هستيم، در ماده ۱۴۶ بر يکپارچه سازی اراضی تأکید جدی شده است و آن می‌توان نمودی از توجه به واحدهای دهقانی تلقی کرد، چرا که مقوله يکپارچه سازی اراضی مشمول کشاورزان خرد و واحدهای بهره‌برداري دهقانی می‌شود.

حمایت لازم از طریق ایجاد زیربناها هم کرده است. شاید باور به غير اقتصادی بودن واحدهای کوچک در این جمع‌بندی دولت بی‌تأثیر نبوده باشد. بندی ماده ۱۸ برنامه چهارم هم حکایت از حمایت از واحدهای بزرگ بهره‌برداري کشاورزی دارد. چرا که فقط واحدهای بزرگ هستند که ظرفیت جذب متخصصين را دارند و کشاورزان خرد از این توانایی محروم هستند؛ اما در برنامه پنجم،

#### جدول ۴- برنامه‌های بخش کشاورزی در برنامه‌های عمرانی اول تا ششم

برنامه	اهم برنامه‌های بخش کشاورزی از دیدگاه نظام‌های بهره‌برداري
عمرانی اول	-
عمرانی دوم	-
عمرانی سوم	- اعتبارات کشاورزی و شرکت‌های تعاونی؛ - ترویج کشاورزی؛ - اصلاحات ارضی و بررسی‌های مربوطه.
عمرانی چهارم	- مرحله دوم اصلاحات ارضی؛ - اجرای قانون سپاه ترویج و آبادانی و جذب مروج کشاورزی.
عمرانی پنجم	- ترویج شیوه‌های نوین در سطح حوزه‌های عمران روستاها؛ - ایجاد مجتمع‌های شير و گوشت دولتی و خصوصی و مختلط - توسعه مرغداری‌های صنعتی در اطراف شهرها- افزایش سطح واحدهای کشت و صنعت، شرکت‌های سهامی زراعی، تعاونی‌های تولید و واحدهای مکانیزه - افزایش تعداد اعضاء تعاونی‌های روستایی و کشاورزی - کاهش تعداد شرکت‌های تعاونی با ادغام آنها؛ - ایجاد صد تعاونی کشاورزی و فروش توسط کشاورزان متوسط؛ - افزایش تعداد شرکت‌های سهامی زراعی؛ - ایجاد واحدهای تجارتي کشت و صنعت و واحدهای مجتمع شير و گوشت، اعم از خصوصی یا دولتی یا مختلط
عمرانی ششم	- خودداری از مکانیزه کردن کشاورزی در مناطقی که منجر به از بین رفتن کشاورزی منطقه و یا مهاجرت بی برنامه روستائیان می‌گردد؛ کوشش در جهت شناسایی نظام‌های بهره‌برداري که حداعلاي تطبیق با مشخصات جوامع گوناگون را داشته و بتواند معیارهای کشاورزی پیشرفته را در آنها به کار برد؛ - توزیع عادلانه و درست اعتبارات بین نظام‌های مختلف بهره‌برداري؛ حمایت بیش از پیش دولت از شیوه دام متحرک به علت تطبیق آن با شرایط جغرافیایی و طبیعی کشور.
توسعه اول	بند ه تبصره ۲۹- تکلیف وزارت کشاورزی به ایجاد ۷ واحد کشت و صنعت نیشکر به وسعت ۸۴ هزار هکتار و ایجاد کارخانجات ۷ واحد شکر خام، یک واحد تصفیه، ۷ واحد خوراک دام، شش واحد خمیر کاغذ، یک واحد کاغذ چاپ و تحریر، یک واحد نئوپان و یک واحد پروتئین دامی اقدام نماید. ص ۱۳
توسعه دوم	طرح‌های موضوع بند ن تبصره ۲۲ (تسهیلات بیع متقابل): ۱- ۳- توسعه نیشکر (۷ طرح) ص ۱۵۳.
توسعه سوم	ماده ۱۰۸ الف- اجازه دولت به این که اراضی بزرگ با مقیاس اقتصادی را در عرصه‌های منابع طبیعی که قابل احیا و بهره‌برداری کشاورزی می‌باشند با شرایط مناسب در اختیار نیروهای متخصص و کارآفرینان بخش آب و کشاورزی با اولویت ساکنان روستاها با شرایط مناسب در اختیار آنان قرار دهد و حمایت‌های لازم را از قبیل ایجاد زیربناها و پرداخت تسهیلات به عمل آورد. ص ۸۱
توسعه چهارم	بند ی، ماده ۱۸- تکلیف دولت به ایجاد انگیزه برای جذب متخصصین توسط تولید کنندگان و بهره‌برداران به منظور گسترش آموزش و ترویج با استفاده از خدمات فنی بخش خصوصی و تعاونی به میزان حداقل سی درصد تولید کنندگان و بهره‌برداران و توسعه تحقیقات کاربردی کشاورزی. صص ۷۵- ۷۳.
توسعه پنجم	بند ه ماده ۱۴۳- برون سپاری فعالیت‌های غیرحاکمیتی و تصدی‌گری‌های بخش کشاورزی با تأکید بر به کارگیری کارشناسان تعیین صلاحیت شده عضو سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی به عنوان ناظر و یا مشاور فنی مزارع کشاورزی. ص ۲۲۱- ۲۲۰.
	ماده ۱۴۶- افزایش تولید و ارتقاء بهره‌وری و بازده زمین‌های کشاورزی در واحد هکتار، از طریق حمایت‌های مالی و حقوقی دولت از تشکیل تشکل‌های حقوقی با اولویت تعاونی‌های تولید کشاورزی در جهت اعمال مدیریت واحد با اتخاذ سیاست‌های تشویقی برای یکپارچه سازی زمین‌های کشاورزی. ص ۲۲۲.

منبع: نفیسی؛ سازمان برنامه، ۱۳۳۹؛ سازمان برنامه، ۱۳۴۱؛ سازمان برنامه، ۱۳۴۶؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۱؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۵؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۹؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۳؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۹.

#### پیشنهادات ترویجی

کشور به عنوان اسناد بالادستی نشان دهنده جهت‌گیری دولت به توسعه کشاورزی از دیدگاه نظام‌های بهره‌برداري می‌توان به نتایج ذیل دست یافت: در مجموع نگاه دولت

با مروری بر برنامه‌های مندرج در شش برنامه عمرانی و پنج برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی



دست زد تا از این طریق سرپوشی بر کج‌روی‌ها و غفلت‌های گذشته خود نهاده باشد. در میان مدعیان این دیدگاه، می‌توان از پورآرین و خدایپرست (۱۳۹۰) نام برد. تحلیل دیگر هم می‌تواند باور واقعی حاکمیت به غفلت از توجه به واحدهای بهره‌برداری کوچک به عنوان نظام بهره‌برداری غالب در کشور در پی انتشار نتایج برخی تحقیقات مانند ملک و علیمراد (۱۳۵۶) و یا عجمی (۱۳۵۵) باشد.

در سال‌های بعد از انقلاب و در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌توان گفت که تا برنامه پنجم نظام‌های بهره‌برداری بزرگ غالباً مورد توجه بودند و فقط در برنامه پنجم تا حدی این سیاست از طریق برنامه‌های تشویقی جهت یکپارچه‌سازی اراضی دهقانان کوچک تعدیل شد. البته حمایت از ایجاد و توسعه نظام‌های بهره‌برداری بزرگ در سال‌های بعد از انقلاب به اندازه سال‌های قبل از انقلاب نبود. به این ترتیب و در حالی که در سال‌های قبل از انقلاب و در آستانه انقلاب (برنامه عمرانی ششم) حاکمیت به این جمع‌بندی رسیده بود که باید نظام بهره‌برداری دهقانی و کشاورزان شاغل در این نظام را به عنوان اکثریت شاغلان بخش و به عنوان حقیقتی انکارناپذیر به حساب آورده و حمایت‌های لازم را از آنها انجام دهد، در سال‌های بعد از انقلاب برنامه‌های مورد نظر عمدتاً معطوف به غفلت از کشاورزان خرد و کوچک بود. این جهت‌گیری نادیده گرفته شدن بهره‌برداران فعال در واحدهای کوچک و دهقانی را در پی داشته و هم‌چنان که نتایج برخی تحقیقات نشان داده است (عباسی‌زاده قنواتی و همکاران، ۱۳۹۱)، نظام‌های بهره‌برداری کوچک را به سمت ناپایداری و سوق داده است. می‌توان بخشی از ناپایداری واحدهای بهره‌برداری خرد و کوچک را به عدم حمایت‌های لازم از این واحدها در اسناد بالادستی نسبت داد. به همین جهت لازم است در اسناد یادشده توجه لازم به این واحدها صورت پذیرد.

معدود مطالعاتی که در سال‌های پس از انقلاب به مقایسه نظام‌های بهره‌برداری یک منطقه با یکدیگر

در برنامه‌های عمرانی را می‌توان معطوف به ایجاد و گسترش واحدهای بهره‌برداری بزرگ در قالب‌های سهامی زراعی، کشت و صنعت، مجتمع‌های گوشت و مزارع مکانیزه قلمداد کرد. این مهم به ویژه در نیمه دوم دهه ۴۰ و دهه ۵۰ با وضوح بیشتری قابل لمس است. اشرف (۱۳۸۳) نیز بر این نکته تأکید دارد که سیاست‌های ارضی و کشاورزی دولت از اواخر دهه ۴۰ خورشیدی معطوف به گسترش بهره‌برداری‌های بزرگ تجاری بوده است. علی‌رغم جهت‌گیری برنامه‌های توسعه کشور در سال‌های قبل از انقلاب به سمت تقویت واحدهای بهره‌برداری بزرگ، معدود مطالعات انجام شده در مقطع فوق در مورد نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی (ملک و علیمراد، ۱۳۵۶، ساعدلو، ۱۳۵۷ و عجمی، ۱۳۵۵) کارآمدی بالاتر واحدهای کوچک و دهقانی در مقایسه با واحدهای بزرگ نظیر شرکت‌های سهامی زراعی و شرکت‌های کشت و صنعت را نشان داد. از آن جایی که واحدهای بهره‌برداری بزرگ مورد مطالعه (شرکت‌های سهامی زراعی و شرکت‌های کشت و صنعت) تحت حاکمیت دولت قرار داشتند و اصولاً واحدهای بهره‌برداری بزرگ غیردولتی در آن سال‌ها سهم قابل توجهی در نظام‌های بهره‌برداری نداشتند، می‌توان بخشی از ناکارآمدی واحدهای بهره‌برداری بزرگ نظیر شرکت‌های سهامی زراعی و یا کشت و صنعت‌ها در سال‌های قبل از انقلاب را به دلیل مدیریت دولتی حاکم بر آن‌ها دانست.

در برنامه عمرانی ششم، شاهد تغییر جهت برنامه‌های توسعه کشاورزی از نگاه غالب توجه به بهره‌برداری‌های بزرگ و در حاشیه نگه داشتن واحدهای بهره‌برداری خرد و دهقانی به در متن قرار دادن این گونه بهره‌برداری‌ها هستیم. تا جایی‌که بسیاری از سیاست‌ها و اهداف توسعه کشاورزی در این برنامه معطوف به نیازها و خواسته‌های این گروه بود. در تحلیل علل این دگرگونی در اهداف و سیاست‌های کشاورزی در برنامه عمرانی ششم، برخی بر این باور هستند که حاکمیت وقت در نیمه‌های دهه ۵۰ به برخی اقدامات شعارگونه و سطحی

پرداختند هیچ کدام نتیجه نگرفتند که یک نظام بهره‌برداری به صورت مطلق بر دیگری برتری دارد (نکویی نایینی و همکاران، ۱۳۹۵ و محبوبی و آبیاری، ۱۳۹۰).  
بر اساس نتایج حاصله از این مقاله، نمی‌توان حکم به رد یکی از نظام‌های بهره‌برداری کوچک و یا بزرگ و پذیرش مطلق آن داد. به همین جهت پیشنهاد می‌شود که نظام‌های بهره‌برداری هر منطقه به صورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و راه کارهای لازم جهت رفع کاستی‌ها و تقویت نقاط قوت هر نظام بهره‌برداری اتخاذ گردد.

### فهرست منابع

۱. اشرف، ا. ۱۳۸۳. از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی. پژوهش نامه متین. ترجمه محمدسالار کسرای. ۲۲: ۱۴۲-۱۰۹.
۲. پورآرین، ف. و ا. خداپرست. ۱۳۹۰. تکاپوهای دولت جمشید آموزگار برای جلوگیری از انقلاب اسلامی. پژوهشنامه متین. ۵۳: ۷۵-۹۰.
۳. حسینی کازرونی، م. ر. ۱۳۷۴. بررسی تطبیقی ساختار اقتصادی تولید در واحدهای بهره‌برداری. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. ویژه نامه کشاورزی ایران و بازارهای جهانی: ۲۹۷-۲۷۲.
۴. سازمان برنامه. ۱۳۳۹. گزارش نهایی طرح‌های تمام شده برنامه عمرانی هفت ساله دوم. سازمان برنامه هفت ساله دوم.
۵. سازمان برنامه. ۱۳۴۱. گزارش مقدماتی برنامه عمرانی سوم ایران (از مهر ۱۳۴۱ تا پایان ۱۳۴۶). سازمان برنامه.
۶. سازمان برنامه. ۱۳۴۶. برنامه چهارم عمرانی کشور. سازمان برنامه.
۷. سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۵۱. برنامه پنجم عمرانی کشور. سازمان برنامه و بودجه.
۸. سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۵۵. خطوط کلی، هدف‌ها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های برنامه عمرانی ششم ۱۳۶۱-۱۳۵۷. سازمان برنامه و بودجه.
۹. سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۶۸. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. سازمان برنامه و بودجه.
۱۰. سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۷۴. قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. سازمان برنامه و بودجه.
۱۱. سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۷۹. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. سازمان برنامه و بودجه.
۱۲. سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۸۳. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. سازمان برنامه و بودجه.
۱۳. سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۸۹. قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. سازمان برنامه و بودجه.
۱۴. ساعدلو، ه. ۱۳۵۷. مسائل کشاورزی ایران. شماره ۹. انتشارات رواق. تهران. ۱۲۸ صفحه.
۱۵. عباسی زاده قنوانی، م. ص. ع. پاپ زن، و ع. ا. میرک زاده. ۱۳۹۱. تحلیل پایداری نظام بهره‌برداری خانوادگی در روستای خانم آباد، شهرستان کرمانشاه. فصلنامه روستا و توسعه. ۱۵ (۳): ۱۱۴-۹۵.
۱۶. عجمی، ا. ۱۳۵۵. نقش نظام بهره‌برداری دهقانی در توسعه کشاورزی. مطالعات جامعه‌شناختی. ۶: ۲۰۲-۱۸۹.

۱۷. عوض‌زاده، س.ع. و ا. کرمی. ۱۳۹۴. تبیین پایداری نظام‌های بهره‌برداری خرد دهقانی: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان بویراحمد. فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی. ۲ (۱): ۴۱-۲۷.
۱۸. محبوبی، م. ر. و ن. م. آبیاری. ۱۳۹۰. مقایسه بهره‌وری متوسط عوامل تولید در نظام‌های بهره‌برداری (استان گلستان). فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی. ۲۸۳: ۲۲۹-۲۱۸.
۱۹. مرکز آمار ایران. ۱۳۹۴. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی کل کشور - ۱۳۹۳. تهران: مرکز آمار ایران. ۱۱۹ صفحه.
۲۰. ملک، ح. و م. علیمراد. ۱۳۵۶. گزارش سفر خوزستان، مطالعه نظام‌های کشاورزی سنتی، شرکت سهامی زراعی و شرکت کشت و صنعت. مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی و عمران روستایی.
۲۱. نادری، ع. و م. سیف نراقی. ۱۳۷۰. روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، با تأکید بر علوم تربیتی. چاپ سوم. انتشارات بدر. تهران. ۱۷۷ صفحه.
۲۲. نفیسی، م. ۱۳۲۸. گزارش آقای دکتر مشرف نفیسی، مدیر عامل سازمان برنامه درباره عملیات سازمان برنامه هفت ساله در سال ۱۳۲۸. سازمان برنامه هفت ساله اول.
۲۳. نکویی نائینی، س.ع.، ی. قنبری، و ح. برقی. ۱۳۹۵. سنجش پایداری نظام‌های بهره‌برداری موجود در بخش کشاورزی استان اصفهان (خرد دهقانی)، تعاونی تولید روستایی، و شرکت سهامی زراعی). جغرافیا و پایداری محیط. ۲۰: ۵۳-۳۹.
۲۴. نوروزی، ع. ۱۳۸۸. تاریخ شفاهی ترویج کشاورزی در ایران. گفتگو با دکتر اسماعیل شهبازی. شماره ۱۳۰. جهاد دانشگاهی مشهد. مشهد. ۲۰۷ صفحه.

## **Orientations before and after the Islamic Revolution in Developing Small and Large Land use Systems**

**A. Norouzi**<sup>1</sup>

Assistant Professor, Department of Agricultural Management and Development, Imam Khomeini Higher Education Center, Agricultural Research, Education, and Extension Organization, Karaj, Iran.

anorozi66@yahoo.com

**Received: November 2017 and Accepted: January 2019**

### **Abstract**

It is the objective of the present study to identify the orientations in agricultural development plans regarding land use and farm unit development as adopted by the six development plans executed prior to the Islamic Revolution in 1979 and the five economic, social, and cultural development plans executed after 1979. For this purpose, a literature review was conducted using the published reports on the above-mentioned plans and the validity of the documents reviewed was verified by both internal and external critical analyses. The results from the review revealed that the state government in all the pre-revolution development plans and in the first five post-revolution ones was focused on developing large-scale farm units rather than peasant ones, which led to strict limitations on small units. In the sixth development plan, the government shifted to supporting peasant units. In the post-revolution development plans, a greater focus is witnessed on large farm units. It is only in the fifth post-revolution development plan that this is partly moderated through supporting integration of small agricultural lands. It is, therefore, the absence of support and the impoverishment of small farm units as the dominant land use system that caused unsustainability and vulnerability in peasant farm units throughout most of the years before and after the Islamic Revolution.

**Keywords:** Development plans, Agricultural development

---

<sup>1</sup>- Corresponding author: Imam Khomeini Higher Education Center, Karaj, Iran.